

شک و ایمان

دانستیم که ایمان به معنای قرآنیش مطلقاً حاصل باورهای مذهبی تاریخی و موروثی و خانوادگی و نژادی نیست که چنین باوری عین کفر است: «کافران می گویند ما پیرو سنت و باورهای پدران خود هستیم!» قرآن کریم-

پس ایمان حاصل تحقیق و پژوهش و تفکر در ذات مفاهیم و معانی و باورهای موروثی است که از ورای اعتقادات تاریخی راهی به سوی حقیقت فطری و الهی می یابد و این یک اتفاق معنوی در ذات فردیت انسان است و مطلقاً امری جمعی نیست. پس اگر چنین است شک در باورها و مفاهیم موروثی - تاریخی سرآغاز تفکر و تحقیق است که به روح آدمی امکان خروج و رهائی از قید و بندهای موروثی را اعطا می کند. زیرا تا زمانی که ذهن و عواطف ما اسیر سنت ها و باورهای موروثی و ژنتیک است امکان تفکر و تحقیق خلاق وجود ندارد. پس این شک مقدس است که ظلمت وراثت را می درد زیرا گوهره تفکر از ذات شک می جوشد و فعال می شود. و قرآن کریم به صورت ترجیع بندی بشر را به تفکر و تعقل می خواند و می فرماید: اگر تعقل نکنید خداوند شما را پاک نمی کند! از چه؟ از ظلمت و باتلاق عواطف و سنت ها و باورهای موروثی و ژنتیکی و تاریخی! و شک، ذات تفکر و تعقل است.

پس ایمان خلاق بر ذات شک در امور موروثی - تاریخی بنا شده است بخصوص وراثت های دینی که لباس قداست بر تن دارند و امکان خروج از آنها کاری کبیر و خطیر است و گاه موجب تکفیر و طرد و لعن در خانواده می شود. از این روست که در قرآن کریم امر به مهاجرت از ارکان دین و ایمان خلاق است تا در درون خانواده و قوم خویش مورد تکفیر و فشار و لعن قرار نگیرد.

آدمی تا در دین موروثی خود شک نکند به ایمان و حق یقین نمی رسد. از این روست که هجرت به شهر یا دیار دیگری قدرتمندترین زمینه ایجاد شک را مهیا می سازد زیرا ذهن و حواس آدمی از قلمرو سنت قدیم خود بیرون می رود و در فضای دیگری تنفس می کند و امکان تفکر نوینی پیدا نموده و به حقایق دیگری می رسد. زیرا حتی خالص ترین و برترین مذاهبی که از راه وراثت حاصل شده اند برای کسی که آن را به ارث می برد کمترین ارزش هدایت بخشی ندارد. و نتیجه اش فقط کبر و غرور و خودپرستی و پرستش نژاد خویش است که جملگی از عناصر کفرند.

آنانکه شک در دین موروثی را کفر می دانند از ایمان مبرایند زیرا هرگز هیچ ایمانی از قلمرو نژاد و سنن تاریخی حاصل نمی شود و تنها خاصیت مذاهب موروثی، کبر و غرور و خودپرستی و اسارت در حصار خانواده و قوم و فرقه خویش است و انقیاد و جمود اندیشه و عواطف و تعصبات کور و افکار تکفیری!

کسی که مستمراً در باورها و ایمان خود شک نمی‌کند هرگز ایمانش اعتلاء و خلوص و یقین پیدا نمی‌کند بخصوص در آخرالزمان که القاعات شیاطین از همه سو می‌بارد. کسی چون حافظ شیرازی اذعان دارد که همچون بید بر سر ایمان خود می‌لرزد. این نشانه اعتلای بلاوقفه در ایمان است.

یکی از ویژگی‌های مذاهب موروثی خلق و خوی تکفیری است که هر اندیشه نوینی در دین را برنمی‌تابند و تکفیر می‌کنند.

ایمان حقیقی حاصل روحی از جانب پروردگار است که بر دل آدمی نازل می‌شود: «و ما روحی از نزد خویش بر تو نازل کردیم که قبل از آن نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان چیست؟!» قرآن کریم - چنین روحی حاصل عمری شک و تحقیق و تفکر در ذات معانی و حقایق موروثی است و به آسانی به‌دست نمی‌آید. انسان مؤمن یک انسان صاحب روح است و لذا حتی کافران هم این جاذبه روحانی را در وجود فرد مؤمن درک می‌کنند.

قرآن کریم می‌فرماید: ما هر سالی یکی دوبار شما را امتحان می‌کنیم تا صدق ایمانتان را معلوم سازیم! یعنی سالی یکی دوبار ایمان مؤمنین آزمون شده و محک می‌خورد و چه بسا دچار شک‌های عظیمی شده و تا آستان کفر برود و بازگردد و از نو احیاء گشته و تعالی پذیرد. مؤمنی که از شک در ایمانش بهراسد و بگریزد مؤمن نیست فقط یک متعصب خودپرست است. امتحان در ایمان جز شک در ایمان نیست که از جانب خداوند به‌سوی مؤمنین می‌آید تا تعالی یابند. پس از ویژگی ذاتی ایمان همانا شک است چرا که ایمان را نهایی نیست و مؤمن کامل خود خداست که مؤمن از اسمای اوست. و علی^(ع) می‌فرماید ایمان را ده مرتبه است. تا هر مرتبه‌ای از ایمان بواسطه شک نشکند مرتبه برتری حاصل نمی‌شود. شک نردبان تعالی ایمان است. فقط کافران و منافقان هستند که در باورهای خود شک ندارند. زیرا اصلاً به هیچ امری باور ندارند جز منافع مادی خویش! و لذا علی^(ع) می‌فرماید: هیاهات از ایمان عاریه‌ای! یعنی ایمان موروثی!

گوهره ذاتی ایمان، تعقل و تفکر است و گوهره ذاتی فکر و عقل آدمی هم شک است بدون شک مطلقاً ذهن به تفکر و تعقل نمی‌رسد و راکد و سیاه باقی می‌ماند. دشمن ایمان، شرک است و دشمن شرک هم شک کردن در آن! تا شرکی هست شک هم هست و شرک‌های آدمی را پایانی نیست! و همه مذاهب تاریخی - موروثی، مشرکانه هستند!

خود قرآن کریم مکرراً در اساس باورهای دینی ایجاد شک می‌کند تا اهل ایمان را به تعقل وادارد: چه می‌دانی که ایمان چیست، چه می‌دانی که قیامت چیست، چه می‌دانی که یوم‌الدین چیست؟ و... دریایی از آیات قرآنی ایجاد تناقض و تضاد فکری می‌کند که منافقان آن را دال بر ابطال قرآن می‌دانند در حالی که اهل ایمان این آیات را کارگاه جهش عقل و ایمان خود قرار می‌دهند که در این باب قبلاً به تفصیل سخن نموده‌ایم. انسان مؤمن و اهل تفکر در مطالعه قرآن کریم یکسره دچار تناقض و تردیدهای بزرگی می‌شود و در دریائی از حیرت و سرگشتگی غوطه می‌خورد تا بالاخره به یقین می‌رسد. از این منظر کتاب خدا، کتاب القای انواع تردیدهاست که مؤمنان را به یقین می‌رساند و مشرکین و کافران را در درک اسفل ساقط می‌سازد. اگر حق شک را درنیابیم در مطالعه قرآن به هیچ یقینی نمی‌رسیم و بلکه باورهای موروثی خود را نیز از دست می‌دهیم و پوچ می‌شویم. شک‌ها از بطن شرک‌ها پیدا می‌شوند و رفع هر شکی منجر به دفع یک شرک

می‌شود. اگر بخواهیم مسائل شک برانگیز و تناقض‌آفرین را در قرآن کریم بشماریم شاید نیمی از آیات این‌گونه باشند. شک روی دیگر سکه ایمان است. شک و ایمان دو روی فطرت بشرند که او را به‌سوی خدایش می‌رانند. این‌گونه است که حتی پیامبران خدا هم در رستگاری و بخشودگی خود در نزد خداوند یقین ندارند. اگر شک نباشد حاصل ایمان جز کبر و غرور و خودپرستی نیست که کالای ابلیس است. انسان کافردل در قبال تردید باورهای خویش احساس نابودی می‌کند. فقط انسان مؤمن است که شهادت شک در باورهایش را دارد. زیرا ایمان یعنی احساس امنیت در قبال نابودی! ایمان یعنی ایمان به خدا!

رنه دکارت پدر فلسفه مدرن غرب، شک را ذات تفکر قرار داده است و گوهره هستی ویژه انسان! براساس چنین تفکری بود که مغرب زمین از دریای ظلمانی خرافات قرون وسطی بیرون رفت و خود را از اسارت امپراطوری شیطانی کلیسا نجات داد و شرک و نفاق را از مسیحیت غرب دفع نمود و مردم مغرب زمین بین کفر و ایمان مخیر شدند و این امر از مبانی تمدن مدرن غرب است چرا که هیچ چیزی چون شرک و نفاق و مذاهب موروثی موجب انحطاط ملل نیستند. شک مقدس‌ترین عنصر مبارزه با شرک و نفاق است. همه علما و عرفای بزرگ فرزندان شک‌های بزرگ هستند! بزرگ‌ترین ایمان‌ها از بزرگترین شک‌ها برخاسته‌اند: دشمن شک، دشمن تعقل و تفکر است!

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۳/۲۳